

نان در تنور ترکمن‌ها

جایگاه تنور و نان و ارتباط آن با ایزدبانوی بزرگ در بین قوم ترکمن

(یعنی: در راه خدا) می‌گویند. بعد از ساخت تنور جدید، برای نخستین بار نان فطیر در آن می‌پزند و بین بچه‌ها و همسایگان (حداقل بین ۷ همسایه نزدیک) پخش می‌کنند و به نام «بی‌بی فاطمه» و «میرکلال» (موکل‌های تنور) دعا می‌خوانند.

زن در خانواده ترکمن برای شرکت در جشن و عزا، نان می‌پزد و با بقچه‌ای نان در مراسم‌ها شرکت می‌کند. بنا به گفته سالخوردگان، تنور در قدیم از چنان اهمیت والایی برخوردار بوده که اگر خانواده‌ای می‌خواست برای پسرش دختری از خانواده دیگر را بگیرد، چوب مخصوص برای زیر و رو کردن آتش داخلی تنور متعلق به خانواده دختر را که اصطلاحاً به آن «کیوی» می‌گویند می‌دزدیده و به تنور خودش اضافه می‌کرده و با این عمل، به شکل غیرمستقیم مقصودش را به آن خانواده اعلام می‌کرده‌است.

اگر رفتار خانواده پسر در رفتن به سراغ تنور خانواده دختر و برداشتن چوب آن و اضافه کردن آن به تنور خودشان را با مراحل خواستگاری و گرفتن و آوردن دختر به خانه داماد در نظر بگیریم، به طور یقین می‌توانیم آن را عملی نمادین بدانیم که شکلی کوچک از مراسم عروسی را به ذهن متبادر می‌نماید. با عنایت به این که تنور در فرهنگ این قوم از قداست برخوردار است و از طرفی رزق و برکت از آن استنباط می‌شود، می‌توان این گونه برداشت کرد که این عمل نمادین خانواده پسر، نشانی از این نیز می‌تواند باشد که می‌خواهد به خانواده دختر بفماند قصد دارند رزق و برکت دو خانواده را با هم درآمیزند.

برای بی بردن به جایگاه مهم تنور در فرهنگ ترکمن، به چند باور دیگر در رابطه با نوزاد و عروس اشاره می‌نماییم:

- کودکی را که زیاد گریه می‌کند و یا زن

در نزد ترکمن‌ها موکل و پیر تنور هستند و زن‌ها هر بار که مشغول پخت نان هستند، در کنار تنور، از آن‌ها مدد می‌خواهند و برای اهل خانه آرزوی سلامتی و بهروزی می‌کنند. انواع مختلفی از نان در بین ترکمن‌ها پخته می‌شود که شکل همگی آن‌ها گرد است. قداست تنور به اندازه‌ای است که زن، پس از آوردن نان‌ها از تنور، در کنار تنور می‌نشیند و برای درگذشتگان فاتحه می‌خواند و برای افزایش برکت دعا می‌کند.

آبی که زن‌ها در کاسه‌ای می‌ریزند و با خود به کنار تنور می‌برند، آب مقدسی محسوب می‌شود. زن، دستش را به کاسه می‌زند و آب را به روی نان‌هایی که بر دیواره داخل تنور چسبانده شده، می‌پاشد و هر بار به آن اسمی می‌دهد که عبارتند از: پاک‌لیک سووی (یعنی: آب پاک)، آق‌لیق سووی (یعنی: آب سفیدی)، قیزیل سو (یعنی: آب قرمزی)، برکت سووی (یعنی: آب برکت) و...

بعد از پختن همه نان‌ها، آبی اگر داخل کاسه مانده باشد، در جایی به سمت قبله با این اطمینان و گمان که هیچ پای روی آن نخواهد رفت می‌پاشند و نیت می‌کنند که آن آب به شهدا برسد.

نخستین نانی که از تنور بیرون آورده می‌شود، بدون این که بشکنند و یا خورده بشود، به خانه می‌رسانند و در این باره می‌گویند «ایلکی چیقان چورکده اویونگ ایرسغالی بولارمیش» (یعنی: رزق خانه، در نخستین نان است). آخرین قرص نان را به هر کس که آن اطراف باشد، اعم از بچه‌ها و عابر می‌دهند. البته در این موضوع، پیرمردها در اولویت هستند.

اگر بخوانند تنوری را خراب و به جای آن تنوری دیگر بسازند، چند قرص نان را می‌پزند و بین مردم پخش می‌کنند و آن را «خدایولی»



ترکمن‌ها به تنور، اجاق، نان و نمک اهمیت زیادی می‌دهند و آن‌ها را مقدس می‌شمارند، به طوری که زیرپا ماندن نان و نمک را گناهی نابخشودنی می‌انگارند. ترکمن‌ها به شخصی که بدون دعوت به خانه آمده باشد، اصطلاحاً «نانگری میهمانی» (یعنی: مهمان خدا) می‌گویند و او را بسیار عزیز می‌شمارند و نخستین چیزی که مقابل او می‌گسترانند، سفره نان است. کلنل بیت در سفرنامه خود به این دیار، نوشته‌است: «مردم هر دو تیره ایگدر و قان یوخمز در بدو ورودمان به ما نان هدیه کردند. ظاهراً این یکی از آداب مرسوم در بین آنان بود.» (بیت، ۱۳۶۵: ۲۱۸)

به خاطر جایگاه مهم تنور در باور ترکمن‌هاست که در روز سعد، در بهترین و پاک‌ترین جای حیاط خانه، تنور را درست می‌کنند.

این قوم، برای برخی مشاغل، موکل و پیری با کرامت متصورند و کسی که به آن شغل اشتغال دارد، در انجام بهینه آن کار، از آن پیر مدد می‌جوید. به طور مثال شخصی به نام «عاشیق آیدینگ» را موکل موسیقی، «بابا دایخان» را موکل کشت و زراعت، «بابا قنبر» را موکل تربیت اسب، «لقمان حکیم» را موکل طبابت می‌دانند و در همین راستا، نوازندگان محلی ترکمن در کارهایشان از «عاشیق آیدینگ»، کشاورزان از «بابا دایخان»، مربیان اسب از «بابا قنبر» و طبیب‌های محلی از «لقمان حکیم» مدد می‌خواهند. «میرکلال» و «بی‌بی فاطمه» نیز

هنر و آداب و رسوم



هند است. کالی در هند از الهگان توده مردم است که همچون نیروی مادری جهان ظاهر می‌شود. با این وجود، طبق تحقیقات انجام شده، این ایزدبانو منحصر به هند نیست و متعلق به دوران بسیار کهن است و رد آن را می‌توان در آئین‌های هندواروپایی و تأثیر آن را در فرهنگ‌های بین‌النهرین مشاهده نمود.

کشف پیکره‌های ایزدبانو مربوط به عصر پارینه‌سنگی در پهنه وسیعی از سبیری تا دامنه‌های پیرنه شاهی بر حضور یک دیدگاه جهانی پیرامون اوست. باور به ایزدبانوی بزرگ چنان عمیق و گسترده بوده که علاوه بر هنر و پیکره‌های باقیمانده از دوران پارینه‌سنگی به بعد، تأثیر آن بر روی نام اشیاء و عناصر مادی، آئینی و طبیعی نیز به جا مانده است و بازتاب آن به‌ویژه در زبان‌ها و گویش‌ها کاملاً مشخص است. از این رو است که می‌توان برای بازسازی آئین‌ها و تصورات دوران کهن، از گویش‌ها کمک گرفت. (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۴۱)

تأثیر نام ایزدبانو یعنی «کالی» بر روی نام‌گذاری برخی از اشیاء مرتبط با ویژگی‌های ایزدبانو، می‌تواند وجود ارتباط بین آن‌ها با شخصیت اسطوره‌ای ایزدبانو را مشخص و به تأثیر آن در فرهنگ ترکمن یاری نماید.

۱- ترکمن‌ها «میرکلال» را موکل و پیر تنور می‌دانند و همان‌طور که ذکر شد، پیشه اولیه

بزرگ طریقت نقشبندی و استاد و مربی شیخ بهاء‌الدین محمد اویسی نقشبند بخاری (معروف به شاه نقشبند) است که در آغاز، به شغل کوزه‌گری مشغول بوده است.

نظر به قداستی که تنور در فرهنگ ترکمن دارد، به نظر می‌رسد واژه «کلال» یا «کالی» که یکی از نام‌های ایزدبانوی بزرگ است بی‌ارتباط نباشد. باور به وجود ایزدبانوی بزرگ در همه فرهنگ‌های کهن هندواروپایی، سامی و غیره به شکل گسترده‌ای رواج داشته و بسیاری از اقوام کهن تحت تأثیر و تابع این باور بوده‌اند.

کالی؟ یکی از نام‌های ایزدبانوی بزرگ در

۱- وی در قریه سوخار ولادت یافته و در آغاز، کشتی‌گیر بوده و به پیشه کوزه‌گری مشغول بوده است. گویند روزی هنگام کشتی، شیخ محمد بابا سماسی در میان اصحاب به تماشایش ایستاده بود، ناگاه نگاه امیرکلال بر وی افتاده و چنان مجذوب او شده که تاب از دست داده و به دنبال شیخ روان شده و در شمار مریدان و شاگردانش قرار گرفته است. دو عارف بزرگ و نامی از خلفای او بوده‌اند، یکی شیخ محمد بهاء‌الدین شاه نقشبند و دیگری مولانا شیخ عارف دیگ‌گرانی که هر دو از عارفان بزرگ روزگار و بلندپایگان علمای طریقت به شمار می‌روند. وفات سید امیرکلال به سال ۷۷۲ هجری اتفاق افتاده و در همان ده سوخار به خاکش سپرده‌اند.

۲- این ایزدبانو در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، با نام‌های مختلفی شناخته می‌شود مانند ایشتر (ایزدبانوی بابلی)، اناهیتا (ایزدبانوی ایران)، ایزیس (ایزدبانوی مصری) و...

بارداری که درد می‌کشد، در روز جمعه، سه بار دور تنور می‌گردانند.

- اگر گوش نوزادی درد بگیرد، نه بار دور تنور می‌گردانند.

- در زمان پخت نان، آبی که در کنار تنور نوشیده می‌شود و یا نانی که خورده می‌شود، ثواب زیادی دارد و باعث سلامتی است.

- اگر در یک محله و آبادی، دو خانواده جشن عروسی داشته باشند، هر دو خانواده باید نان بپزند و به همدیگر نان بدهند و گرنه عروس آن‌ها به چله خواهد افتاد و به عبارتی، نازا خواهد شد و یا نوزادش سقط خواهد شد. - خانواده‌ای که به جشن عروسی می‌رود، در بقچه‌ای که با خود می‌برد، باید تعداد نان‌هایش جفت باشد و اگر به‌عزا می‌رود، تعداد نان‌هایش در بقچه تک باشد.

در این باور، عدد زوج نشانی از کامل بودن و به خاطر جفت بودنش، نماد استقبال و تأیید ازدواج دو فرد در جشن عروسی است و عدد فرد به خاطر تک بودنش نمادی از نقصان است.

نان و ارتباط آن با ایزدبانوی بزرگ

گفتیم که ترکمن‌ها «میرکلال» و «بی‌بی‌فاطمه» را موکل و پیر تنور می‌دانند. با توجه به گستردگی طریقت نقشبندی در بین ترکمن‌ها، می‌توان گفت که «میرکلال» همان «امیر کلال بن حمزه» از مشایخ

«در طول تاریخ، برخی از جنبه‌های اسطوره‌ای آنهایتا که دیگر برای مردم مسلمان کارکرد خود را از دست داده، به اعتقادات مربوط به حضرت فاطمه زهرا(س) منتقل شده است.» (میرشکرایی، ۱۳۸۲: ۴۰) بر همین اساس، دور از ذهن نخواهد بود اگر بگوئیم که ترکمن‌ها نیز در دوره پس از ظهور اسلام، باور کهن خود در باره کالی (ایزدبانو) را به شخصیت بی‌بی فاطمه یعنی حضرت فاطمه (س) داده‌اند و او را موکل تنور می‌دانند. همه این‌ها نشان می‌دهد که پیشینیان این قوم همچون سایر اقوام کهن به وجود ایزدبانوی بزرگ باور داشته‌اند.

منابع:

۱. عسگری، لیلیا؛ ۱۳۸۶، حضور ایزدبانوی بزرگ در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، گویش‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۱ و ۲، ص ۱۵۱-۱۲۳.
۲. قوجق، یوسف؛ ۱۳۷۷، هفت برادر و یک خواهر، ۱۹ افسانه از آسیای میانه، تهران: کتاب‌های بنفشه (قدیانی).
۳. میرشکرایی، محمد؛ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، خضر در باورهای عامه، کتاب ماه هنر، ش ۵۵۵۶، ص ۴۲-۲۸.
۴. بیت، چارلز ادوارد؛ روشنی، قدرت‌الله؛ رهبری، مهرداد (مترجمین)؛ ۱۳۶۵، خراسان و سیستان، سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان، تهران: یزدان.



اگر باردار است، نوزادش با سلامت کامل به دنیا بیاید و اگر مسافری دارند، به سلامت برگردد. علاوه بر این، در یکی از افسانه‌های ترکمنی به نام «آق پامق»، دختری به همین نام برای یافتن هفت برادرش، نان «کولچه» را روی زمین می‌غلطاند تا هر جا که رسید، بدانند که محل اقامت برادران گمشده‌اش در آن جاست. در یکی از افسانه‌های تاجیکستانی نیز همین موضوع به شکلی دیگر وجود دارد، با این تفاوت که نام دختر «گل‌ماه» است.

«... وقتی گرسنه‌اش می‌شد، کلوچه‌ای می‌خورد و دوباره به راهش ادامه می‌داد. تا این که یک کلوچه در دستمالش ماند. گل‌ماه این بار کلوچه را روی زمین غلتاند و به دنبال آن راه افتاد. اما بعد از مدتی گرسنه‌اش شد. ناچار، گوشه‌ای از کلوچه را کند و خورد. و باز هم کلوچه را غلتاند، اما کلوچه دیگر نمی‌غلطید. چون گردی‌اش را از دست داده بود. پس، کلوچه را به دست گرفت و چنان گریست که زمین زیر پایش گل‌آلود شد. در این موقع فکری به ذهن گل‌ماه رسید. مقداری از گل را برداشت و آن قسمت از کلوچه را که کنده بود، پر کرد. مدتی نگذشت که گل سفت شد. باز کلوچه گرد شد و دوباره گل‌ماه آن را روی زمین غلتاند و از بی‌اش روان شد.» (قوجق، ۱۳۷۷: ۷۷)

«نان بر اساس باورهای کهن، هدیه ایزدبانوی بزرگ و خدای زمین است و شکل آن نیز گرد است. زیرا دایره نیز نماد این ایزدبانو است. دایره «لاپتاهی» نمادی است مونت در تضاد با «محدود» مستقیم، مذکر، نیروی آفریننده پدران. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، واژه‌هایی که به نوعی نماد گردی و نیز کروی بودن هستند، در ارتباط با ایزدبانوی بزرگ قرار می‌گیرند.» (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

به غیر از شکل ظاهری نان که اصلی‌ترین ویژگی آن گردی و از نمادهای مونت است، مشابهت صورت آوایی «کولچه» با کالی، درجه قداست نان و تنور در بین ترکمن‌ها، نقش تأثیرگذار نان در افسانه‌ها و نیز بهانه‌های پخت آن که برخاسته از مناسک و آئین است نیز مطمع نظر است.

گفتیم که ترکمن‌ها علاوه بر «میرکلال»، شخصیتی به نام «بی‌بی فاطمه» را نیز موکل تنور می‌دانند. به نظر می‌رسد که منظور از «بی‌بی فاطمه» حضرت فاطمه زهرا (س) باشد.

خضر، آنهایتا (ایزدبانوی ایرانیان)، و حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر اسلام (ص) در فرهنگ عامه ایران اشتراکاتی دارند.

میرکلال، کوزه‌گری بوده است. ترکمن‌ها به خاکستر تنور «کؤل» و به درجه‌ی هوا که برای تنظیم دمای داخل تنور در زیر تنور تعیین می‌کنند، «کؤروک» می‌گویند. در برهان قاطع، «کلال» را «کوزه‌گر» و «کاسه‌گر» و «شخصی که کاسه گلی و سفالی می‌سازد» معنی شده است. هم‌چنین ترکمن‌ها برای واژه «کوزه» در فارسی، واژه «کویزه» را به کار می‌برند. آن‌ها به آفتابه نیز «کوندوک» می‌گویند.

بررسی تصویر ایزدبانوی کالی در هنر باستان در دوره نوسنگی به یکی از کارکردهای او یعنی آسمان و رطوبت آسمانی اشاره می‌کند. گلدان، کوزه و به طور کلی ظروف انسان‌نگارانه متعلق به دوره نوسنگی نشان‌دهنده ایزدبانوی آسمان است که می‌توانسته باعث بارش باران بشود. این ظروف نماد طبیعت زنانه و موقعیت اجتماعی زنان است. به طور کلی ظروف نه تنها وسیله‌ای برای نگهداری آب و غذا، بلکه خود نماد تمثیلی زن بوده است. این اشیاء که دارای این انگاره‌های ترسیمی هستند، از لحاظ معنایی نیز با آب و باران مرتبط هستند. ایزدبانوی کالی که در آسمان جای دارد، همانند ظرفی تصور شده که دارای آب است و به همین خاطر، ظروف نگهداری آب هم به مانند ایزدبانوی کالی تصور می‌شده است. این تصور که ظروف با نقش ایزدبانو پیوند دارند، با دهانه گردشان نیز تأیید می‌شود. (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۴۶) باید توجه داشت که ظرف، نماد جهانی مونت نیز هست و مونت بودن آن‌ها می‌تواند از دلایل نام‌گذاری آن‌ها بر اساس نام کالی (ایزدبانو) باشد. پس شباهت‌های آوایی واژه‌هایی ترکمنی همچون «کویزه» (کوزه)، «کوندوک» (آفتابه)، «کلال» (موکل تنور)، «کؤروک» (دریچه تنظیم دمای تنور) و «کؤل» (خاکستر تنور) با واژه کالی و نیز شکل تنور که گرد است نمی‌تواند تصادفی باشد.

۲- یکی از انواع نان‌های ترکمنی، نان شیرینی است که در خمیر کردن آرد، به جای آب، از شیر استفاده می‌کنند که گرد و کوچک است و در زبان ترکمنی به آن «کولچه» می‌گویند. پخت این گونه خاص نان با مناسک و آئین‌های ویژه‌ای صورت می‌گیرد و جنبه آئینی دارد و از این لحاظ، از اعتقادی خاص، ریشه‌دار و بسیار کهن خبر می‌دهند. کولچه را پس از پختن، در قدیم از دیواره آلاچیق و امروزه از دیوار اتاق، بالای در ورودی، روی گهواره نوزاد و... می‌آویزند با این باور که شیطان و اجنه به آن خانه راه پیدا نکنند، زنی